

فصل دوم

هویت

تصویر

تصویر

تصویر

● فصل دوم - هویت

● انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

۱.

با مطالعه این فصل و انجام فعالیت‌های آن پی می‌برید که

هویت

من کیستم؟

در مورد هویت چه می دانید؟

در سال گذشته خواندید که هر آنچه افراد در پاسخ به پرسش «کیستی؟» می گویند و با آن خود را از اشیا و افراد دیگر متمایز می کنند هویت آنها را تشکیل می دهد. هویت با نوعی احساس مثبت یا منفی همراه است. افراد در موقعیت های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می شوند یا خودشان می پرسند برآستی «من کیستم؟» آیا می توانید برخی از این موقعیت ها را نام

بیرید؟

تصویر شناسنامه

تصویر معماری

افراد در پاسخ به پرسش «کیستی» خودشان را معرفی می کنند و در معرفی خود به ویژگی هایی از این قبیل اشاره می کنند: جوان، متولد دوم اسفند 69، دختر، باهوش، مؤمن، گندمی، وقت شناس، خجالتی، صبور، راستگو، ایرانی، کشاورز، روستایی و... هستم. با نوشتن پنج ویژگی هویتی خود در جدول زیر نشان دهید که منظور از هویت و ویژگی های آن را به خوبی می شناسید.

ویژگی	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
دانش آموز						
...						
...						
...						
...						

توانایی و ... اوست همواره تغییر می‌کند. ولی همه ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند مانند زمان و مکان تولد و هر فردی در طول زندگی خود تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم‌سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد ولی خود می‌داند همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً، اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد، مثلاً ما تنها با عضویت در جامعه ایران، ایرانی محسوب می‌شویم، در حالی که زرنگی و تنبلی و ... ویژگی‌های فردی ما هستند.

آیا هویت‌مان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی از ویژگی‌های هویت‌مان مانند مکان و زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم؛ ولی بسیاری از ویژگی‌های هویتی خود را مانند صفات اخلاقی و روانی، خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آن نقش و سهم بی‌نظیری داریم. بعضی از ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردن آنها نقشی نداریم، ولی می‌توان با تلاش و کوشش خود آنها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده خود به دست می‌آوریم و با کنش‌های خود آن را تغییر می‌دهیم.

آیا هویت‌مان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی همواره در حال تغییرند. مثلاً جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، دارایی،

تصویر ۴

تصویر ۳

«من بچه شاه عبدالعظیم هستم و درخانه‌ای به دنیا آمده و بزرگ شده‌ام که درهر سوراخش که سر می‌کردی به یک خانواده دیگر نیز برمی‌خوردی. اینجانب — اکنون چهل و شش سال تمام دارم. درست سی و چهار سال پیش یعنی، درسال ۱۳۳۶ شمسی در کلاس ششم ابتدائی مشغول درس خواندن بودم. در آن سال انگلیس و فرانسه به کمک اسرائیل شتافته و به مصر حمله کردند و بنده هم به عنوان یک پسر بچه ۱۲-۱۳ ساله تحت تأثیر تبلیغات آن روز کشورهای عربی یک روزی روی تخته سیاه نوشتم: خلیج عقبه از آن ملت عرب است. وقتی زنگ کلاس را زدند و همه ما بچه‌ها سر جایمان نشستیم اتفاقاً آقای مدیرمان آمد تا سری هم به کلاس ما بزند. وقتی این جمله را روی تخته سیاه دید پرسید: «این را که نوشته؟» صدا از کسی درنیامد من هم ساکت ، اما با حالتی پریشان سر جایم نشسته بودم. ناگهان یکی از بچه‌ها بلند شد و گفت: «آقا اجازه؟ این جمله را فلانی نوشته. آقای مدیر هم کلی سر و صدا کرد و خلاصه اینکه: «چرا وارد معقولات شدی؟» و در آخر گفت: «بیا دم در دفتر تا پرونده‌ات را بزنم زیر بغلت و بفرستم خانه.» البته وساطت یکی از معلمین، کار را درست کرد و من فهمیدم که نباید وارد معقولات شد. من از یک راه طی شده با شما حرف می‌زنم. خوشبختانه زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچارشده‌ام رودر بایستی را نخست با خودم و سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود، و حتی از این بالاتر دانایی نیز با «تحصیل فلسفه» حاصل نمی‌آید. باید در جست و جوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس براستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت، و در نزد خویش نیز خواهد یافت. دارای فوق لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید با تحصیلاتم مربوط دانست. حقیر هرچه آموختم‌ام از خارج دانشگاه است. بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی درسایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر. قبل از انقلاب بنده فیلم نمی‌ساخته‌ام اگر چه با سینما آشنایی داشتم. اشتغال اساسی حقیر قبل از انقلاب در ادبیات بوده است. اگر چه چیزی — اعم از کتاب یا مقاله — به چاپ نرسانده‌ام. با شروع انقلاب تصمیم گرفتم که دیگر چیزی که «حدیث نفس» باشد ننویسم و دیگر از خودم سخنی به میان نیاوردم. «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» سعی کردم که خودم را از میان بردارم تا هرچه هست خدا باشد و خدا را شکر بر این تصمیم وفادار مانده‌ام. البته آنچه که انسان می‌نویسد همیشه تراوشات درونی خود او است — همه هنرها اینچنین‌اند کسی هم که فیلم می‌سازد اثر تراوشات درونی خود اوست — اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند آنگاه این خداست که در آثار ما جلوه‌گر می‌شود. حقیر اینچنین ادعائی ندارم اما سعی‌ام بر این بوده است. با شروع کار جهاد سازندگی در سال ۵۸ به روستاها رفتیم که برای خدا بیل بزنیم. بعدها ضرورت‌های موجود رفته رفته ما را به فیلم‌سازی برای جهاد سازندگی کشاند. در سال ۵۹ به تلویزیون آمدم و در گروه جهاد سازندگی سازمان مشغول به کار شدیم. حقیر هیچ کاری را مستقلاً انجام نداده‌ام که بتوانم نام ببرم. در همه فیلم‌هایی که در گروه جهاد سازندگی ساخته شده است سهم کوچکی نیز — اگر خدا قبول کند — به این حقیر می‌رسد و اگر خدا قبول نکند که هیچ. به هر تقدیر، من فعالیت تجاری نداشته‌ام. آرشیتکت هستم! از سال ۵۸ و ۵۹ تاکنون بیش از یکصد فیلم ساخته‌ام. یک ترم نیز در دانشکده سینما تدریس کرده‌ام که از ادامه تدریس در دانشگاه صرف نظر کردم»

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

سال گذشته هویت فردی را با دو بُعد جسمانی و نفسانی شناختیم و از سه بُعد متمایز هویت انسان به شرح زیر سخن گفتیم:

الف: بُعد جسمانی (بدن)

ب: بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های روانی و اخلاقی)

ج: بُعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)

با یادآوری آنچه در سال گذشته خوانده‌اید برای هر کدام از این ابعاد ۵ نمونه بیاورید.

تصویر ۲

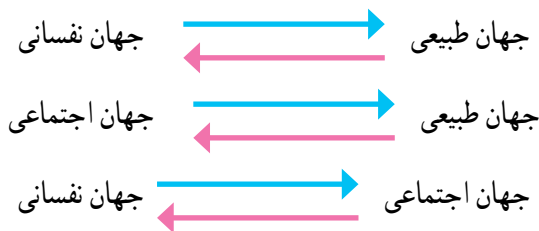
تصویر ۱

می‌دانید که سه بُعد مذکور از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. همان‌طور که می‌دانید بدن ما کانال ارتباط ما به جهان طبیعی و بخشی از آن محسوب می‌شود و نقش و عضویت اجتماعی ما نیز کانال ارتباط ما به جهان اجتماعی و بخشی از آن به حساب می‌آید. بدین ترتیب روابط میان ابعاد مختلف هویت در نمودارهای زیر خلاصه می‌شود. آیا می‌توانید بگویید هر کدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام یک از این رابطه‌هاست؟

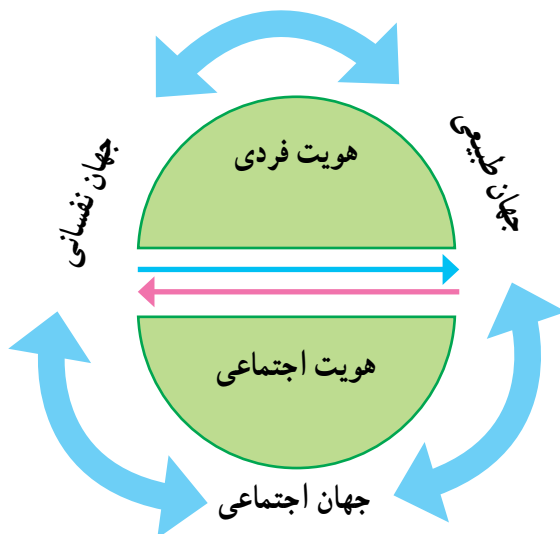
ترشح زیاد غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می‌شود/ برخی از مرض‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شود^۱/ در شرایط اقلیمی متفاوت شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است/ زندگی اجتماعی انسانها، طبیعت را تهدید می‌کند/ «یک انسان با تقوا جهانی را تغییر می‌دهد»^۲/ جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی از اخلاقیات می‌شود.

۱- «برای هر کاری که نیت و اراده آدمی در انجام آن قوی باشد بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود» (امام صادق ع)

۲- این جمله از امام خمینی (ره) است. ایشان خود نمونه‌ای از افرادی بودند که با تقوای خود توانستند، مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازد.



هر ۶ رابطه بالا را می‌توان در شکل زیر با هم جمع کرد.



۱- هویت اجتماعی هر فرد درون جهان اجتماعی و بر اساس همان عقاید و ارزش‌ها شکل می‌گیرد. در جامعه قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد براساس جایگاه قبیله‌ای آنها مشخص می‌شود. در جامعه سرمایه‌داری هویت افراد به ثروت و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعه دینی هویت اجتماعی افراد بر اساس ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد. مثلاً اسلام هویت افراد را با علم، تقوا و عدالت ارزیابی می‌کند.

تاکنون از تمایز ابعاد مختلف هویت و از تعامل آنها سخن گفتیم ولی پرسش مهمی باقی می‌ماند که هویت فردی و اجتماعی چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ یا اینکه هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟ براساس آنچه در فصل اول خواندید، هویت هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های کلان خود شکل می‌گیرد و بر این اساس قواعد، هنجارها و نمادهای آن سازمان می‌یابند. بنابراین:

۲- هر جهان اجتماعی بر اساس هویت خود با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که به طبیعت به عنوان یک ماده بی‌جان، نگاه می‌شود تا هرگونه دخل و تصرفی در آن مجاز باشد. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند است. انسان در طبیعت به عنوان خلیفه خداوند است و خلیفه خداوند بر اساس خواست الهی وظیفه عمران و آبادانی آن را دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است در جهان طبیعت و در جسم و بدن خود انجام دهد.

۳- هر جهان اجتماعی بنا به هویت خود با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را از بین می‌برد. به‌عنوان مثال جهان متجدد به تناسب رویکرد این جهانی خود با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل گیرند و با ویژگی‌های اخلاقی که بر اساس ارزش‌های معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند سازگار نیست. همان‌گونه که هویت اجتماعی جهان متجدد با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی‌تواند با هویت اجتماعی دنیوی این جهان سازگاری داشته باشد.

فعالیت با کمک دبیر خود اخلاق ورزش کاران جهان اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشی جهان جدید (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید. تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزش‌های کلان اجتماعی بیان کنید.

تصویر ۱۰۲

خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟

گفت چون سقراط در نزع اوفتاد^۱
بود شاگردش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم، تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم؟
گفت اگر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
بی نبردم، مرده کی یابی تو باز؟!

تحقیقات نشان می‌دهد کودکان خطاهای خود را موجه‌تر از خطاهای دیگران می‌دانند. خطاهای دیگران را عمدی و شایسته مجازات می‌دانند و خطاهای خود را غیرعمدی و بیشتر ناشی از شرایط و تحریک کننده‌های محیطی می‌بینند. محققان ابتدا این امر را ناشی از خودخواهی کودکان می‌دانستند ولی تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی نشان داد که افراد درباره عوامل مؤثر بر رفتار خود نسبت به دیگران اطلاعات بیشتری دارند از این رو احتمال بیشتری وجود دارد که در توضیح علل رفتار خود سهم خود را در انجام خطاها کمتر ببینند و بیشتر بر شرایط محیطی تأکید کنند و خود را بی‌تقصیر بدانند. از آنجا که شناخت‌شان از موقعیت دیگران کمتر است در توضیح رفتار آنها بر سهم خودشان تأکید می‌کنند و آنها را مقصر می‌دانند. کودکان وقتی شناخت بیشتری درباره دیگران به دست می‌آوردند خطاهای آنها را نیز بیش از آنکه عمدی بدانند ناشی از سوء برداشت یا بی‌احتیاطی می‌دانستند. بنابراین هرچه شناخت کودکان از موقعیت خود و دیگران بیشتر می‌شود قضاوت آنها تغییر می‌کند. ولی پرسش اساسی این است که افراد چقدر خود و موقعیتشان را به درستی، می‌شناسند؟

بخشی از هویت آگاهانه است، یعنی آن را می‌شناسیم یا آن که دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند و بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم.

ما گاه درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم تأمل می‌کنیم. درباره آنها می‌اندیشیم و گاهی برای شناخت خود از دیگران کمک می‌گیریم، از دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. به نزد مشاوران، روان‌شناسان و روان‌کاوان رفته و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی و فرهنگی

هویت انسان‌ها بحث می‌کنند و در این باره نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوتی که درباره هویت افراد داده می‌شود نشانه این است که خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی، فردی و اجتماعی هویت انسان‌ها و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسانها از خوشتن، سخن گفته‌اند.

تصویر ۶

تصویر ۵

فعالیت

دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسان‌ها از هویت واقعی خود نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود درباره این نظریات گفتگو کنید.